



۲۰۱۸/۰۲/۰۱

م. اسحاق نگارگر

تَرْحُم بر پلنگِ تیز دندان ستمکاری بُود بر گوسپندان

پیاده ملت بر تخته شطرنج شورا و حکومت

من این یادداشت را سه سال پیش در باره کارگری های شورا و حکومت نوشته بودم و اینک به اصطلاح انگلیسی هنوز هم همان «بلیم گیم» ادامه دارد و شورا خود را خانه ملت می خواند اما افسوس که این ملت غیر از خانه غم و درد دیگر خانه ای ندارد.

پروردگارا می دانم که تو گفته ای تا قومی نفس خود را تغییر ندهد تو آن قوم را تغییر نمی دهی اما زبانه لال، گناه این قوم که دیگر حتی در مورد نام خود نیز گرفتار بالای انشفاق شده اند و برای گریز از همدیگر خود را افغان؛ خراسانی؛ تاجک؛ پشتون؛ هزاره و چی و چی لقب داده اند آنقدر بزرگ است که هر روز گرگی فرا رسد و در یک گوشه این سرزمین بلا و مصیبت گوسفندان بی آزار (بیخشد منظورم همین انسان های خو گرفته به خواب غفلت و گریز از تغییر و بیداری است) بگشود و پُشت کار خود برود؟

آخر اگر ما انسان ها گوسفندان بیچاره را به خاطر گریز از گرسنگی فدای معده های پیچ پیچ و بی قابلیت خود می کنیم این قاتلان بی رحم که علی رغم بیسوادی بر کرسی های افتاء نشسته اند خوب است خوردن گوشت انسان را نیز مباح بخوانند و فتوی بدهند که در شریعت اینان خوردن گوشت دشمن نیز جواز دارد و سبب قوت «سربازان خدا» می شود.

من سخت مخالف جزای اعدام استم اما می خواهم در این طرز تلقیی خود یک استثناء قایل شوم و بگویم کم از کم ده تن از طراحان این شیوه جنگی را که خود در غندی خیر نشسته اند و عمل قربانیان او هام خود را «استشهاد» می نامند در ده چهار راهی شهر به دار بزنند تا از یک سو بر جراحت های دل های خونین این همه ماتمدار مرهم تسلی و تشفی مانده شود و از سوی دیگر مایه عبرت این گرگان آدمخوار شود. شیخ شیراز راست گفته است که:

تَرْحُم بر پلنگِ تیز دندان
ستمکاری بُود بر گوسپندان

والله اعلم بالصواب ۲۹ جنوری ۲۰۱۸ بر منگم.